

چگونه باید اعتراضات الجزایر را فهمید؟

گفت‌وگوی مروان اندلوسی با عمر بن‌دره

سه شنبه ۵ مارس/۱۴ اسفند هزاران نفر در الجزایر بار دیگر در شهرهای مختلف به خیابان آمدند و خواهان کناره‌گیری عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهوری ۸۲ ساله الجزایر شدند؛ آیا این تنها خواسته مردم الجزایر است؟ چرا پلیس با تظاهرات مدارا می‌کند؟ نقش مذهب چیست؟ عمر بن‌دره، تحلیلگر و عضو «دیدهبان الجزایر»، در مصاحبه‌ای که پس از تظاهرات ۲۲ فوریه مردم الجزایر صورت گرفته، کلیدهایی به دست می‌دهد برای فهم بهتر آنچه در الجزایر می‌گذرد.



اعتراض دانشجویان در پایتخت الجزایر، ۵ مارس/۱۴ اسفند

پرسش: چه چیزی ته بسیج مردمی فوق‌العاده الجزایری‌ها در بسیاری از شهرهای کشور توضیح می‌دهد؟ هیچ‌کس نمی‌داند که چه کسی فراخوان این تظاهرات را داده است. از این لحاظ، این اعتراضات نسبتاً شبیه رخدادهای اکتبر ۱۹۸۸ است. در آن زمان هم می‌دانستیم که قرار است اتفاقی روی دهد، اما نمی‌دانستیم اعتراضات از کجا سرچشمه یا خط می‌گیرند [شورشهای ماه اکتبر ۱۹۸۸ سلسله تظاهرات خیابانی خونباری بودند با شرکت جوانان الجزایری و در اعتراض به گرانی، نرخ بالای بیکاری و تدابیر ریاضتی دولت، که به مرگ ۵۰۰ تن و مجروح شدن هزار نفر انجامید]

عمر بن‌دره: همواره این خطر وجود دارد که هنگام تفسیر مقاصد در یک نظام سیاسی بسته و خشن به ورطه و سوسه‌های پارانوئید سقوط کنیم. این و سوسه از سوی پروپاگاندای تغذیه می‌شود که تلاش می‌کند این رژیم بدون چهره را به‌مثابه نظامی عالم به همه‌چیز و قادر به همه‌کار بازنمایی کند؛ چیزی که با توجه به اضمحلال مستمر و کاملاً مشهود دولت و تهدیدات فزاینده پیش‌روی الجزایر به هیچ‌وجه حقیقت ندارد. بنابراین، ضروری است که هشیار و روشن‌بین باشیم، به دام تئوری توطئه نیفتیم و اجتناب کنیم از انتساب این تظاهرات‌ها به یک یا چند عروسک‌گردانی که جلوه‌ها و بروزهای نارضایتی را

سازمان‌دهی می‌کنند؛ حتی اگر بپذیریم که کانون‌های قدرتی وجود دارند که به احتمال زیاد شرایط و زمینه یک بسیج گسترده مردمی را مساعد و آن را تحریک کرده‌اند.

چه کسی می‌تواند ادعا کند بی‌خبر است؟ آپاراتوس‌های نظام، و در درجه اول پلیس سیاسی تحت عناوین و اسامی گوناگون آن، می‌توانند برای حل و فصل تضادهای مابین گروه‌های ذینفع درون نظام از خیابان استفاده ابزاری کنند. در حقیقت، همه در زمان رخدادهای اکتبر ۱۹۸۸، و همچنین در زمان «راهپیمایی‌های خودجوش» سال ۱۹۹۵ در حمایت از الیمین رزوال — که یک ژنرال بازنشسته بود — متوجه این قضیه شدند.

اما از قرار معلوم، تا آنجا که به تظاهرات ۲۲ فوریه برمی‌گردد، این محافل فقط دنباله‌رو بوده‌اند و وضعیت، از پیش برای تظاهراتی از این دست بسیار مساعد بوده است. به عبارت دیگر، اگر بگوییم برخی گروه‌های خاص درون رژیم تظاهرات را تشویق و تحریک کرده‌اند، به هیچ‌وجه نمی‌توان گفت که آنها معماران این حرکت نیز بوده‌اند. جمعیت خودش زمام امور را به دست گرفته و شعارها و فرم‌های ابراز بیانش را انتخاب کرده است. افکار عمومی از مدت‌ها پیش آزرده بوده و به ستوه آمده است و تنها به خاطر سنت‌های صبرپیشگی و امتناع از خشونت است که جامعه در مقابل رژیم و دست‌اندازی‌های کسانی که دولت را کنترل می‌کنند حالت عقب‌نشینی، نافرمانی مدنی خاموش و بی‌تفاوتی به خود گرفته است؛ همان‌طور که پیشتر نیز در زمان «کارزار» انتخاباتی دور چهارم ریاست جمهوری بوتفلیقه در سال ۲۰۱۴ شاهد بی‌تفاوتی عمیق عمومی نسبت به دستگاه تبلیغاتی رژیم بودیم.

در تمامی سطوح، شرایط از آن زمان تاکنون متحول شده است. در واقع، به نظر من، همگان روی این نکته اتفاق نظر دارند که الجزایری‌ها احساس می‌کنند این مضحکه شرم‌آور کارزار دور پنجم ریاست‌جمهوری بوتفلیقه که می‌خواهد پیرمردی محتضر را به عنوان نماینده امید و نوگرایی جا بزند توهینی است به شعور آنها. این امر همچون چاشنی بمب نارضایتی‌ها عمل کرده است، همچون قطره آبی که موجب سرریز کردن ظرف خشم و کینه شده است. آنچه مردم بدان معترض‌اند و آن را بر نمی‌تابند فقط تجدید دوره یک رئیس‌جمهور/زامبی نیست. مردم الجزایر به ستوه آمده‌اند و دیگر این دیکتاتوری سبعانه، نالایق و فاسدی را نمی‌خواهند که کشور را به فردهای تاریک سوق می‌دهد.

:- آیا مخالفت با کاندیداتوری مجدد بوتفلیقه برای دور پنجم ریاست جمهوری تنها دلیل این تظاهرات بی‌سابقه است؟

از شعارها و اسم‌مزهای این تظاهرات‌ها به‌خوبی پیداست که مطالبات فراتر از این است. برخی از «ترقی‌خواهان» و سایر تبلیغات‌چی‌های مزدبگیر سعی دارند این نفی کلی نظام را فرو بکاهند صرفاً به چالش کشیدن بوتفلیقه. این محافل خشم عمومی را به سمت مخالفت با کاندیداتوری بوتفلیقه برای دور پنجم کانالیزه می‌کنند تا کاندیدایی را در مقام بدیلی نو و موجه بالا بکشند که بر سرش اجماعی پلیسی و نظامی وجود دارد. از همین روست که از میان یک سری بحث‌های داغ مطرح‌شده در حیاط خلوت، ناگهان انگار از درون خلاء، یک ژنرال، یک نظامی به عنوان آلترناتیو پیش‌روی ما گذاشته شده است.

چشم دیده است از مخابان زیادی برخوردار باشند. الجزایری‌ها نه در انتظار منجی‌اند، نه به رهبر نظامی‌ای امید دارند که مانند خرگوشی از کلاه شعبده‌بازی بیرون آورده شود و نه به فقیهی که باز یافت شده باشد و با شکل و شمایل جدید به آنها قالب شود. آنها می‌خواهند در جامعه‌ای آزاد زندگی کنند و رهبر آنها زنان و مردانی باشند که خودشان آزادانه انتخاب کرده باشند. مردم طرفدار تغییری رادیکال و مخالف کارزار انتخاباتی دورم پنجم ریاست‌جمهوری‌اند.

-: تقریباً بیست سالی می‌شود که تظاهرات در الجزایر ممنوع است. چگونه می‌توان عدم‌مداخله پلیس که البته به طور گسترده در محل مستقر بوده را توضیح داد؟

من فکر می‌کنم کسانی که تصمیم گرفته‌اند از خود خویشتن‌داری نشان دهند، این کار را نه به خاطر ملاحظات «دموکراتیک»، بلکه از روی حساب‌گری انجام داده‌اند. آنها می‌دادند که اعتراضات گسترده و عمومی است، و خشم عمومی لگام‌گسیخته. قضیه خیلی واضح است: الجزایر، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، کاسه صبرش لبریز شده است. با این حساب، با وجود چنین روحیه‌ای در سطح کشور، سرکوب‌های ناگهانی و مستقیم و برخوردهای خشونت‌بار با جمعیت ممکن است منجر به شکاف و گسستی غیرمترقبه شود. این «تصمیم‌گیرندگان» همچنین می‌دانند که دستگاه‌های سرکوب آنها، یعنی پلیس، ژاندارمری و ارتش، به هیچ وجه نسبت به آنچه در جامعه رخ می‌دهد بی‌تفاوت و مقاوم نیستند. به نظر می‌رسد مدارایی که پلیس تا کنون از خود نشان داده نشانگر آن است که رژیم می‌خواهد پلیس را مدیریت، در استفاده از نیروهای آن صرفه‌جویی و از خستگی و فرسودگی آنها پیشگیری کند؛ این امر به معنای ترس واقعی رژیم از موقعیت ناگواری است که بیم آن می‌رود با کوچک‌ترین اهمالی وخیم‌تر نیز شود. آن وقت است که رژیم مجبور می‌شود به سرکوبی پایدار و با وسعتی... بی‌سابقه دست بزند

-: در جریان وقایع روز ۲۲ فوریه اتفاق خیلی مهمی روی داد که باید حتماً مورد توجه قرار گیرد. می‌خواهم در مورد مردمی صحبت کنم که علیه موعظه‌های سفارشی امامان جماعت اعتراض کردند، و حتی برخی از آنها مثلاً در شهر بجایه مسجد را ترک کرده و نمازشان را در بیرون از مسجد به جای آوردند. آیا این به معنای آن است که طلسم فشار وارد کردن بر مردم از طریق دین شکسته شده است؟

در خلاء اخلاقی و سیاسی ایجاد و حفظ‌شده توسط دیکتاتوری، دیانت به یک عنصر پیونددهنده تبدیل شده که حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی را میسر ساخته است. به این ترتیب، مذهب همچنان پناهگاه اول و آخر بسیاری از افراد است. معنویت الجزایری‌ها همچنین هرگز نظمی را—یا بهتر بگوییم بی‌نظمی‌ای را— نمی‌پذیرد که بدون اصول اخلاقی باشد و به‌زور و به نام ارزش‌هایی تحمیل شود که در تاریخ و رسوم ریشه دارند و همگان آنها را می‌شناسند و تصدیق می‌کنند. اما ما دیگر در سال‌های ۱۹۸۰ یا ۱۹۹۰ نیستیم.

حالا با گذشت زمان جامعه بالغ شده است. سطح کلی سیاست و نقد بسیار بالاتر رفته است. تجارب انباشته‌شده از پس این دهه‌های مملو از خون و خون‌ریزی، خشونت و بی‌عدالتی، آگاهی افراد را شکل داده است و اجازه می‌دهد مردم بهتر بتوانند. در برابر روش‌های عوام‌فریبانه، از هر شکل و با هر ظاهری، مقاومت کنند

رژیم با موعظه‌گران شارلاتان و امامان جماعت سرسپرده‌اش سعی کرده است از تاریک‌اندیشی بهره‌برداری کند و مناسک مذهبی را به سمت تعصب، کوتاه‌اندیشی، تکفیر و ارتجاع سوق دهد. اما به نظر می‌رسد تاریخ انقضای این رویه‌های مبتنی بر سوءاستفاده از ایمان مردم مدت‌هاست به پایان رسیده است. این مردمان سرد و گرم روزگار چشیده دیگر به این سادگی‌ها جذب این گفتارهای اقتدارگرایانه یا گفتارهایی که در صدد جلب وفاداری آنها باشند نمی‌شوند، فارغ از آنکه منشاء آنها چه چیز یا چه کسی باشد، و یا مبلغان آنها چه جامعه‌ای بر تن داشته باشند. دیگر خبری از وفاداری و سرسپردگی مکانیکی و پیشوایان دست‌نایافتنی و روحانی نیست. الجزایری‌ها به مقدسات احترام می‌گذارند اما می‌دانند که سیاست لاجرم از مذهب و معنویت جداست.

-پیامدهای این اعتراضات چه می‌تواند باشد؟ پیش‌بینی شما در خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۸ آوریل چیست؟

آینده پیش‌بینی‌پذیر نیست، گرچه می‌توانیم به جوانان الجزایری امیدهای زیادی ببندیم. فعلاً مجموعه ابتکار عمل‌هایی صورت گرفته و محافل بحث و گفتگو شکل گرفته‌اند. حالا می‌توان از پس این پیش‌درآمد، به یک بازترکیب سیاسی واقعی و مؤثر رسید. اگر بخواهیم در مورد آینده چیزی بگوییم بدون آنکه احتمال خطا زیاد بالا باشد، باید بگوییم که تظاهرات‌های ۲۲ فوریه صفوف مختلف مردم الجزایر را با تمام گوناگونی‌ها و تفاوت‌هایشان، بر ضد این رژیم اراذل بی‌وجدان با یکدیگر متحد ساخته است.

ساکنان این کشور در مقابل چشمان همگان سطح بالایی از آگاهی و حس مسئولیت‌پذیری را به نمایش گذاشته‌اند. بدون آنکه همبستگی جهانی را در این میان فراموش کنند، خصوصاً همبستگی با آرمان فلسطین. باید امیدوار بود که این بسیج پایدار و بادوام باشد، که این بسیج ماتریس سازمان‌دهی مجدد سیاسی متکثر و دموکراتیک جامعه الجزایر باشد. و آنکه در آخر به یک راه‌حل سیاسی و صلح‌آمیز ختم شود که به حقوق و آزادی همگان احترام بگذارد و به بحرانی که مدت‌هاست مردمان الجزایر با آن مواجه‌اند پایان دهد.

منبع: [contretemps](http://contretemps.org)